

نگاهی بر دستوری و تاریخی

سوسیالیسم

همواره نظر عموم بر این بوده که نهضت سوسیالیسم چه در عمل و چه در لفظ، زائیده شرایط عمومی ربع چهارم سده هجده و دهه های نخستین قرن نوزدهم باشد. بکلامی دیگر نهضت سوسیالیسم معلول انقلاب صنعتی (اول) است. در اینخصوص فردریک انگلس مینویسد:

«... سوسیالیسم ماحصل درک آنازشی موجود در زمینه تولید است. و اما تئوری سوسیالیسم، مرحله تکامل یافته نظریات اصلاح طلبان قرن هجده محسوب میشود.»

«تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم» ترجمه ارمنی صفحه ۱۱ بر اساس نظر فوق، سن سیمون، فوریه، و روبرت اوان، بنیانگذاران سوسیالیسم اوتوپییک (تخیلی) پیش از میان آمدن و شرایط کار آنها و زمان فعالیت آنان (قرن نوزده) اساس و مبداء نهضت سوسیالیسم محسوب میشود. و اما باید گفت که ظهور نهضت سوسیالیسم چه در عمل و چه در حرف (تئوری) از قرن پانزده آغاز میگردد و هدف نوشته حاضر کوششی است برای نمایاندن این حقیقت.

در اینجا اذعان باین امر نیز ضروری است که همه محققین و مورخین تاریخ سوسیالیسم، باین حقیقت (قدمت نهضت سوسیالیسم) واقف بوده اند ولی با اینوصف چراتوجه لازمرا بآن ننموده اند و یا بطور کلی چراتاریخ ظهور سوسیالیسم را از بعد از دوران انقلاب صنعتی (اول) دانسته اند؟ باید بدید علت آن چیست.

علت این امر آنستکه نهضت سوسیالیسم (تخیلی و علمی) برای این محققین و مورخین، فقط و فقط برای پرولتاریا و توسط پرولتاریا بوده است.

در تکوین و ایجاد این نظر به کهنه شده، مار کبسم بزرگترین اثر را از خود بجای گذارده است. حال، بدون ورود به ماهیت مار کبسم و توضیح چگونگی تدوین نظر آن در پیرامون مسئله مطروحه (۱) باختصار متذکر می‌شویم که در حال حاضر نظریه اینکه سوسیالیسم برای پرولتاریا و توسط پرولتاریاست مردود میباشد.

اکنون نهفت سوسیالیسم همانند نیمه‌های قرن ۱۹ و عصر مارکس و انگلس، نمیتواند منحصر بدارک آنارشی موجود در تولید سرمایه‌داری بوده و نشانه مبارزات پرولتاریا در انهدام آن آنارشیسم از طریق جهش انقلابی و بوسیله دیکتاتوری پرولتاریا و برای پرولتاریا باشد و یا ملت‌ومیهن کاری نداشته باشد. دنبال منافع ملی و میهنی رفتن و مبارزات ملی و میهنی کردن را خیانت بنفع پرولتاریا و نهفت سوسیالیسم بدانند و از اینرو منافع ملی و میهنی را فدای پرولتاریا و مبارزات طبقاتی کند... دهقانان را وابسته به بورژوازی دانسته آنرا خرده بورژوا بنامد و نه تنها از چهار چوب سوسیالیسم بیرون براند بلکه بر علیه آنان و مصالح آنان هم مبارزه نماید... بر علیه طبقات دیگر، مخصراً طبقات متوسط الحال و محکوم و همچنین جناح‌های مترقی و قابل استفاده طبقات مختلف بدون در نظر گرفتن حال و آینده تاریخی آنان، مبارزه آشنی ناپدید و زیان آور کند... عوامل دینی و مذهبی را ناپدید گرفته و بر علیه آنان پیکار نماید و بدینوسیله عوامل دینی و مذهبی را بر علیه سوسیالیسم بشورانند... با آزادیهای نسبی زنان و مردان در ارضای احتیاجات غریزی و جنسی اهمیت ندهد و پداگوژی و اتیک و مورال ناشی از آنرا ناپدید کند و در عوض فقط بنیادهای اقتصادی خانواده توجه کند... با مساعی بهبود نسل بشر از طریق علوم مجزا از علم اقتصاد کاری نداشته باشد... مسئله کنترل بر آب و هوا و خلاصه با کنترل همگانی و مدرنیزاسیون هر آنچه که خارج از حدود اقتصادیات است کاری نداشته باشد...

البته بنا به جهان بینی مارکس و انگلس وقتی زیر بنای اقتصادی دنیا (نه یک کشور واحد) انقلاباً تغییر یافت، نتیجتاً رو بنای غیر اقتصادی نیز تغییر یافته و همه چیز نو خواهد شد. بدین سبب پرولتاریا با آنچه که در بالا گفته شد، خود مستقیماً کاری ندارد، آنها خود بخود و بطور غیر مستقیم، بتبعیت آن

(۱) برای توضیحات لازم بنالیف نگارنده: «سوسیالیسم علمی و اقتصاد مخلوط»

تغییرات انقلابی زیربنای اقتصادی اجتماع، تغییر یافته و مدد نیزه خواهند شد مثلاً مانند زبان که بزعم ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی^۱ پستی از تغییر انقلابی زیر بنا، از لحاظ کیفی تغییر یافته و زبانی نوین پرولتاریائی بوجود خواهد آمد ... ۱۱

ولی آزمایشات عظیم اقتصادی، اجتماعی و تاریخی قرن اخیر عملاً ثابت نمودند که این طرز فکر و طرز کار خود نوعی از اتویسم علمی میباشد و الزاماً باید تجدید نظر شود.

چون بطور کلی هر جریان اجتماعی و اقتصادی و تاریخی و بالاخره هر تغییر و تحول کوچک یا بزرگ جبراً و قهراً وابسته بیک میدان (میهن) میباشد و بدون در نظر گرفتن محیط مخصوص و شرایط و عوامل خاص آن میدان میهن (تئوری) بحث از محتویات آن میدان - منجمله اقتصادیات در هر حال عملی عبث و غیر علمی و تخیلی میباشد ... عبارت دیگر: اقتصاد و «توابع» آن بدون حدود علمی و میهنی و امکانات تئوریال، مفهوم ندارند و همه پدیده‌ها و از جمله اقتصادیات هر چه دارند از تئوری (سرزمین) مشخص میهنی است و عدم وجود آزادی و استقلال و تمامیت ارضی نام و تمام ملی و میهنی کلیه آن امکانات را سلب خواهد کرد. از اینرو هر جنبش و نهضت اجتماعی و علمی مخصوص سوسیالیسم جبراً باید قبل از هر چیز در فکر استقلال و تمامیت ارضی میهن ملت‌ها باشد.

بس بدین طریق سوسیالیسم عصر حاضر مثل ادوا گذشته یک جریان خصوصی نیست که با (انزوای عالی) ولی کائاستر و قبک خسود سوسیالیسم موعود را بیک ضربت جادو بنا سازد بلکه عبارت از یک نهضت کلی و همه جانبه و در عین حال ملی و ناحیه‌ای است. نهضتیکه عموم جریانات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و غیره یک کشور را توأمأ و در حال رشد و نمو در نظر گرفته و در راه پیشرفت و توسعه آن قدم ب قدم پیش میرود ...

بدین طریق همراه با دیگر نموده‌ها یک پدیده اجتماعی و اقتصادی مهم نیز وارد چهارچوب سوسیالیسم گشته و یکی از ستونهای اساسی آن میگردد که عبارت از طبقه وسیع دهقانان و در پشت آن مسئله آگروری (زمین) و توابع آن میباشد.

یعنی مسائلیکه مارکس و انگلس اصولاً با مطرح آنان در چهارچوب سوسیالیسم مخالف بوده‌اند.

بدیهی است که با رها کردن مسئله زمین و رانندگی طبقه وسیع دهقانان از حیطه سوسیالیسم چه مانع و خطر بزرگی در راه ایجاد سوسیالیسم پیش می‌آید و آمده است.

اثرات زیان بخش این خطر در انقلاب‌های بی‌ثمر فرانسه بوضوح چشم می‌خورد در این انقلاب‌ها هر بار دولت بورژوازی فرانسه با استفاده از روبه غلط سوسیالیسم «علمی» دهقانان را به آسانی بر علیه پرولتاریا شورانده و وارد مبارزه نموده است. و این عامل‌های هم‌هدف تاریخی را بهم انداخته و سد بزرگی در راه تحقق عملی سوسیالیسم ایجاد نموده است ...

و اگر این مسئله در آسیا و آفریقا و قاره‌های مشابه معاصر در نظر گرفته شود اهمیت فوق‌العاده آن کاملاً مشهود خواهد گشت زیرا در کشورهای آسیائی و آفریقائی معاصر، نهضت سوسیالیسم بدون طبقات دهقانان، اساساً قابل تصور نیست. مثلاً اگر سوسیالیست‌های آسیا و آفریقا بخواهند با راهنمایی‌های سوسیالیسم علمی و مارکسیسم پیش بروند، در همان قدم‌های اول شکست خورده و بکلی از بین خواهند رفت ... چنانچه اگر در خود روسیه و در زمان انقلاب اکتبر، اگر لنین بر نامه و نقشه دهقانی حزب مخالف خود، یعنی سوسیالیست‌های انقلابی را قبول نکرده و بخواسته‌های دهقانی ترتیب اثر نپسداد و در عوض با نقشه حزب بلشویک پیش میرفت، مسلماً با عده معدود خود قادر بانجام هیچ کاری نبود. لنین خود بعد از انقلاب اکتبر و تحصیل پیروزی رسماً باین امر اعتراف نمود که پیروزی آنان تا اندازه زیادی معلول بکار بستن پروگرام آگرونی حزب اس‌آر (حزب سوسیالیست انقلابی) بود. و اما باید تأکید کرد که پروگرام حزب اس‌آر که لنینی‌ها بوسیله آن پیروز شدند، بهیچوجه مارکسیستی نبود.

نتیجه‌ای که از این بحث اخذ می‌کنیم بدینقرار است.

مارکس انگلس و اکثر محققین و مورخین تاریخ تکامل سوسیالیسم چون سوسیالیسم را بمنزله یک جریان خصوصی اقتصادی و اجتماعی که منحصرأ بوسیله پرولتاریا و برای پرولتاریا بوده، مجسم می‌نموده‌اند و دهقانان را خرده بورژوا و محافظه کار و حتی دشمن پرولتاریا محسوب داشته و لذا مبارزات توده‌های دهقانان را در طول تاریخ خارج از چهارچوب سوسیالیسم (تخیلی) دانسته‌اند، بدینجهت در تحریر تاریخ تکامل سوسیالیسم، تا آنجا بجلو رفته‌اند که تاریخاً پرولتاریا بوجود آمده و بعد از طی مراحل بدو به مرحله

رشد نسبی طبقاتی رسیده و شروع مبارزه بر علیه بورژوازی کرده است. یعنی اوایل قرن ۱۹، ولی با در نظر گرفتن نکات فوق الذکر لازمست برای تحریر ظهور و تکامل نهضت سوسیالیسم خیلی پیش رفت. ضمناً اینکار مستلزم در نظر گرفتن ظهور و تکامل تاریخی کاپیتالیسم نیز تا حدی میباشد. زیرا ظهور و تکامل کاپیتالیسم، یکی از عوامل مهم و مؤثر در تکوین ظهور جریان تاریخی مورد نظر ما میباشد.

در ضمن طرح این مسئله، مسئله دیگر بهم تحت عنوان روابط ده و شهر مطرح میشود که شایسته توجه و بحث میباشد. بدین معنی که از بعد از ظهور و تکامل کاپیتالیسم در ورای فتودالیسم و ایجاد شهرها، طبعا در حین مبادلات میان ده فتودالی و شهر تجارتنی و خرده بورژوازی، تفاوت سطح فرهنگ و تمدن میان شهر و ده و مخصوصاً تمرکز موسسات تولیدی در شهر میباشد منجر بتأرجح ده و استثمار دهها قریب از طرف شهر و شهریان گردد. صریحتر: تا آنکه قطعاً سیستم بیگاری فتودالیهای قرون وسطایی، اساساً مسئله استثمار دهقانان وجود نداشت. زیرا آنها مالک قوه کار خود نبودند بلکه قوه کار آنها جزئی از مالکیت ارباب محسوب میشد. ولی بعد از انهدام این سیستم، دهقانان آزاد شده مالک قوه کار خود گشتند و آنرا بشهریان فروختند... از اینجا دوره استثمار دهقانان از طرف شهرها و شهریان آغاز میشود و مبارزه های تاریخی دهقانان نیز تا حدی ملهم از این استثمارهای مستقیم و غیر مستقیم بوده و هم در این مورد بخصوص است که تجسمات سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم عملی از هم مجزا و دور میشوند. برای سوسیالیسم علمی (یعنی بنابه کلاسیفیکاسیون کلاسیک مارکسیستی) چون دهقانان آزاد شده، پرولتاریا نیستند و نمیتوانند باشند؛ لذا دشمن پرولتاریا و خرده بورژوا میباشد. علت این امر هم بزعم مارکسیسم مالک بودن دهقانان بر وسائل کار یعنی گاو و گاو آهن و غیره است. در صورتیکه پرولتاریای اصیل و وسائل کار و تولید از خود ندارد... و اما سوسیالیسم عملی طبقه دهقانان را وارد چهار چوب سوسیالیسم کرده و در اغلب نقاط هم کلابر آنها تکیه زده است. مانند آسیا و آفریقا و غیره آنها هم در عصر اتم...

و اینک شبه ای درباره ظهور و تکامل مراحل بدوی کاپیتالیسم و سپس نخستین تظاهرات عملی سوسیالیسم تخیلی.

ظهور خرده بورژوازی

کلیات قوس نزولی تکامل تاریخی فتودالیسم، بیش از همه در انگلستان (۱) آغاز میگردد و خرده بورژوازی انگلستان، بنا به علل زیر ظاهر میگردد:

- ۱ - آزادی و استقلال تاملمی و میهنی .
 - ۲ - پیشرفت و توسعه نسبی وسایل تولید
 - ۳ - تغییر تدریجی سیستم تولید و توزیع و تشکیل طبقه تاجر .
 - ۴ - پیشروی محسوس انسانها در مبارزه بر علیه طبیعت و استفاده بیشتر از منابع طبیعی و انسانی .
 - ۵ - در نتیجه پیشروهای فوق الذکر ، توفیق بیشتر در مبارزه بر علیه ترس زائیده از بلیه های محیط طبیعی و غیره و آغاز تزلزل در ارکان مسیحیت توأم با عکس العمل های مسیحیت با اتفاق فتودالیسم ...
 - ۶ - شروع تزلزل همچنین در مبانی خانواده دوران فتودالی و تغییر و تحول در روابط جنسین و اخلاق و بطور کلی در بساط کوژی و اتیک و مورال
 - ۷ - وقوع تغییرات مناسب در حالت های روانی و اجتماعات .
 - ۸ - دخول نیروهای نوین و نسبتاً تندرستی تکاملی در محیط اجتماعات مانند انزایش فوق العاده نفوس ، رقابتها ، و غیره ...
- این تغییرات و تحولات و دیگر گویبهای متعدد دیگر ، در اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ در انگلستان آغاز میگردد . این مرحله با تفاوتهای کمی ناشی از شرایط خاص ممالک دیگر تقریباً یک قرن بعد در دیگر کشورها روی میدهد . و بدین طریق - اتاب (دوران) خرده بورژوازی کاپیتالیزم شروع و خاتمه مییابد ...

ظهور و تکامل کاپیتالیزم تجار تی

بعد از اتمام دوره خرده بورژوازی در اواخر قرن ۱۳ و در دنباله تغییرات و تحولات اجتماعی در موارد مذکوره فوق ، کاپیتالیزم وارد مرحله نوین خود میگردد که عبارت از همان دوره تجارتی میباشد . این دوره دارای تقسیماتی است که فعلاً امکان بحث راجع بآن نیست . ولی از لحاظ

(۱) روی این اصل در مطالعات خود بیشتر بر اساس جریانات مربوط به انگلستان

روابط خارجی و بین‌المللی اجتماعات وقت، اهمیت بسزائی دارد و ما مجبوریم اشاره‌ای در اینباره بکنیم :

تعریف مربوط به دوره خرده بورژوازی را راجع به عکس‌العمل فتودالینت و مسیحیت در برابر جریان نوین تاریخی متذکر شدیم . اینک بیاید علاوه کنیم که از آنجا، یعنی آغاز دوره تجارتنی ، عکس‌العملهای فتودالینسم و مسیحیت باوج تکامل تاریخی خود رسیده و نتایج بسیاری بار می‌آورد. مهم‌ترین نتایج حاصله جنگهای تاریخی صلیبی هستند ... در این جریانات تاریخی (جنگهای صلیبی) بطور بارز و روشن ، اثرات عامل دینی و مذهبی در روابط متقابل طبقات و ملتها هویدا است .

دوره تجارتنی در تاریخ تکامل کاپیتالیزم انگلستان از اواخر قرن ۱۳ و در ممالک دیگر کمی دیرتر شروع و تا اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ ادامه داشته است

ظهور و تکامل دوره مانوفاکتور

تکامل تدریجی موارد هشت گانه مذکور در دوره خرده بورژوازی ، در اواخر دوره کاپیتالیزم تجارتنی ، همراه با جنبش بافتن بازارهای وسیع ایجاد راهها، کشف قاره‌های عظیم (آمریکا و غیره) ، استفاده از منابع طبیعی انسانی آن سرزمینها ، مهاجرت‌های بزرگ اروپائیان و علی‌الخصوص انگلیسیها بآن نواحی ، استثمار شدید بومیان آن ممالک ، برده فروشی و استثمار بردگی و غیره ، کلیه شرایط لازم ظهور و تکامل دوران مانوفاکتوری را مهیا نمودند .

توأم با نهضت بافتن بازارها و طبقة تاجر پیشروی سریع بدست آورده و بعد از مدتی تجارت شعبات ورشته‌ها و زمینه‌های دیگر اقتصادیات و مخصوصاً کشاورزی را در پشت سر خود گذاشت. آخر سر توسعه و ترقی سریع تجارت بجائی رسید که دیگر طبقة تاجر بدون کمک و همراهی دیگر زمینه‌ها ورشته‌های اقتصادی و تولیدی نمیتوانست قدمی جلو بگذارد . واضح تر - میبایست کالای بیشتری تولید شود تا کار تجارت متوقف نشود . برای این منظور یعنی ازدیاد تولید، واحدهای تولیدی موجود یعنی صنایع کوچک دستی و خانوادگی نمیتوانستند بمقدار لازم کالا تولید کنند ، لذا احتیاج مبرم بتغییر سیستم تولید و تقسیم کار ایجاد شده و لزوم و همچنین شرایط و امکانات دوره مانوفاکتوری پیش آمدند . بالاخره بکمک طبقة تاجر سیستم تولید و تقسیم

کار تکامل یافتند و تدریجاً از صورت اجتماعی به تکنیکی (فنی) مبدل شده و احدهای کوچک در مانوفاکتورهای بزرگ حل شدند. این مرحله در تاریخ تکامل کاپیتالیسم اهمیت زیاد دارد.

نخستین تظاهرات سوسیالیسم اوتوپیک

دوره مانوفاکتور در تاریخ تکامل کاپیتالیسم - در این مورد انگلستان از اواخر قرن ۱۵ آغاز و تا اواخر قرن ۱۸ ادامه داشته است. یعنی تا زمانی که اختراعات بزرگ سبب دخول ماشین و ماشینسم در زمینه تولید کاپیتالیستی شده اند، ضمناً غیر از هلند، دوره مانوفاکتور در کشورهای اروپائی دیگر تاریخ اول و دوم قرن ۱۹ پابرجا بوده است.

حال، نخستین تظاهرات سوسیالیسم اوتوپیک نیز همسراه با پیدایش دوره مانوفاکتور بظهور رسید و علما خود نمائی میکنند. علت این امر عبارت از رهایی تدریجی طبقه دهقانان از زنجیرهای اسارت و بردگی بود. دهقانان پس از رهایی از بند بردگی قرون وسطائی، مالک قوه کار خود بوده، آنرا آزادانه و با صورت مختلف در معرض فروش میگذاردند.

در انگلستان استخلاص دهقانان توأم و همزمان با رانده شدن آنها از زمینهای ذراعتی بوقوع میبویند. از اواخر قرن ۱۴ جریان رانده شدن دهقانان از زمینهای ذراعتی در انگلستان شروع شده و تا قرن ۱۷ ادامه داشته است. رهایی از اسارت و بردگی از یک طرف و رانده شدن از زمینهای ذراعتی از طرف دیگر باعث مبارزات حادث تاریخی میان دهقانان آزاد شده و مالکین (فئودالها) از طرفی و دهقانین و بورژوازی نواریس مانوفاکتوری از طرف دیگر میشود. چون یکی از علل بسیار مهم گسرتن ابراسیون (سلب مالکیت) دهقانان عبارت بود از پیشرفت و توسعه تولید صنعتی، بوجه آن مالکین دهقانان را بزور از زمینهای ذراعتی رانده و بجای آنان کوسفند آوردند تا چشم آن کوسفند هارا باقیتهای خوب به بورژوازی آن زمان بفرشند...

در طی این جریانات قسمت کوچکی از دهقانان رانده شده از زمینهای ذراعتی تبدیل بیرولتاریا و لومین بیرولتاریا شدند و لی اکثریت باقی دست به مبارزات شدید و وسیع زدند و بدینوسیله نخستین تظاهرات عملی سوسیالیسم اوتوپیک بظهور رسید البته در این مبارزات بیرولتاریا هم با دهقانان گاهگاهی همراهی مینمودند ولی محور و مرکز ثقل مبارزات را دهقانان و

منافع خاص آنان تشکیل میداد که بر علیه فتودالسم از یکطرف و بطور غیر مستقیم بر علیه بورژوازی از طرف دیگر در جریان بوده علاوه در مباحثات و مجادلات ثوریک هم نویسندگان پیشرو و ایدئولوگها از مبارزات دهقانان و منافع آنها الهام میگرفتند.

همچنانکه نخستین ایدئولوگ نهضت سوسیالیسم تخیلی یعنی توماس مور که در انگلستان سالهای ۱۴۸۰-۱۵۳۵ میزیست با الهام از جریانات فوق الذکر از معروف خود را بنام «اوتوی» (۱) بزبان لاتین طبع نمود و بدینوسیله بنیان ثوری سوسیالیسم تخیلی و ایدئولوژی آنرا پی ریزی کرد توماس مور در این اثر بشدت از جامعه موجود انتقاد و در ضمن تصویر خیالی جامعه ایده آلی و سوسیالیستی آینده را ترسیم نموده است توماس مور بعزت دارا بودن عقاید تند و مخالف شرایط موجود و همچنین افکار انقلابی و مبارزه علنی بر علیه شرایط موجود آن زمان از درازاهای هشتم طرد شده و محکوم بداد شد.

مبارزات و مباحثات نهضت سوسیالیسم اوتوییک در انگلستان بدینسان تدریجاً تکامل مییافت که یکباره با بروز انقلاب بورژوازی صرف انگلیسی بطور موقت متوقف میگردد.

چون در سالهای ۱۶۴۰-۱۶۶۰ بورژوازی انگلستان با میان آوردن گرمول - دیکناتور معروف - پیروزی بزرگی بر علیه کلیه مخالفین خود و از جمله دهقانان مبارز و ضمناً نهضت سوسیالیسم تخیلی بدست میآورد. زمانی که نهضت سوسیالیستی انگلستان بکدوران رکود میگذراند یعنی در اواسط قرن ۱۷ در آلمان بیکارهای هم هدف دهقانان آلمانی به رهبری توماس مونسر بر علیه فتودالسم و کابینه آلمان در جریان بود و مدتی ادامه داشت.

(۱) عمده آنتهتهای اجتماعی و ادبی بخش با جنبشهای ادبی و ثوریک آغاز میگردد توماس مور و همفکران او غیر از نگارش کتب سیاسی و اجتماعی در عین حال سرچشمه الهامات مشابه در رشتههای ادبی و هنری نیز گشته اند. چنانچه شکسپیر از اثر دیگر توماس مور، موسوم به «ریچارد سوم» برای آثار خود اقتباس های زیاد نموده است. البته در این مورد شکسپیر بطور غیر مستقیم شرایط و محیط اجتماعی و سیاسی آن زمان انگلستان را با اسلوب ادبی و هنری منعکس کرده است ...

همراه با این بیکارهای عملی مبارزات شوریک نیز بطور همگام در جریان بود. تنور بسین ها و ایدئولوگهای از قبیل کامپانلا با بیکارهای عملی همراهی نموده و در عین حال تصاویر عالی از جوامع سوسیالیستی آینده ترسیم و به منظور کمک و یاری معنوی و همچنین مساعدتهای عملی بر زمیندارگان سوسیالیستی او تو بیک ارا تهمیدادند.

کامپانلا در قرن ۱۷ در اینا لیا زندگی میکرد و مشخصاً در راه انجام هدفها و ایدئوآلهای خود مبارزه مینمود. چنانچه بعزت همین مبارزات عملی و لفظی خود ۳۰ سال تمام زندانی بود و در همین مدت ۳۰ سال حبس کتاب معروف خود را موسوم به «شهر آفتابی» برشته تحریر در آورده است. در این تالیف تصویر ایدئوآلی جامعه سوسیالیستی آینده به روشنی خاصی نقاشی شده است. این تالیف گرچه در اینا لیا نوشته شده است ولی در آن مدت از سرحدات اینا لیا گذشته و در کلیه نقاطیکه بر علیه شرایط موجود و به خاطر ایجاد شرایط بهتر مبارزه ای در بین بوده است شهرت و اهمیت و تاثیر فراوان بجای گذارده و سرچشمه الهام برای مبارزین نهضت سوسیالیسم تحلیلی گشته است. این بیکار بزرگ آنقدر ادامه یافته است تا در همه جا هر جوان زیاده پیدا نموده که از آن جمله مورلی و مابلی میباشد. این دو نفر با عقاید و آراء تند انقلابی خود سمبول کمونیسم صرف (کلاسیک) در فرانسه قرن ۱۸ شناخته شده اند ...

توام باجریانات مذکوره و پیشرفت زمان در انگلستان دومرتبه پس از سری شمن ایام مخوف دیکتاتوری کرول، نهضت سوسیالیستی وارد میدان عمل میگردد.

ذیرا سوسیالیسم او تو بیک جریانی نبود که با این چنین شکستهای موقتی از میدان در رود. لذا با استفاده از آزمایشها و تجربیات تلخ ولی آموزنده گذشته با مبارزه جدی تری وارد میدان عمل میگردد.

یکی از خصوصیات بارز سوسیالیسم او تو بیک بطور اعم و جنبش سوسیالیستی انگلستان، بالاخص؛ همواره این بوده که آن در آن واحد هم برای آزادی کامل فرد و هم استخلاص عمومی بشریت بدون در نظر گرفتن منافع یک یا چند طبقه خاص، مانند پروتاریا و یادها قین و غیره، مبارزه مینموده است، و گرچه مبارزات عملی نهضت سوسیالیسم تحلیلی اغلب پایه ها و هدفهای طبقاتی داشته است، همچنانکه در مورد مبارزات دهقانان بر علیه فئودالیسم و کاپیتالیسم گفته شد. و اما شعارها و مخصوصاً نظریات نهضت همانطوریکه

در خانه این بحث دیده خواهد شد و بطور کلی جهان بینی وایدئولوژی نهضت همیشه بر محور استخلاص فرد در عین حال بشریت کل بوده است. روی این اصل مبارزین انگلیسی سوسیالیسم تخیلی چند دهه بعد از وقوع انقلاب بورژوازی انگلستان با استفاده از تجربیات قبلی و رفتار غیر انسانی دیکتاتوری خشن بورژوازی و با الهام از جهان بینی خاص خود از راه قانونی (لگال) برای نیل بمقصود خود یعنی رهایی فرد و بشریت مبارزه بی گیری را آغاز نموده و آخر الامر در سال ۱۶۷۹ موفق بگذرانیدن قانون معروف Habeas Corpus «هابئاس کورپوس» از پارلمان گشتند. هابئاس کورپوس یعنی مالک جان خود. عبارت دیگر فرد و افراد از هر لحاظ مصونیت غیر قابل نقض دارند در انگلستان بعد از تصویب قانون فوق الذکر هیچ فردی در آن چه انگلیسی و چه خارجی - نمیتوان بهیچ عنوان و بهانه دستگیر و زندانی کرد. بلکه باید پلیس و مقامات قضائی قبل از دستگیری فرد یا افراد مدارک و دلایل لازم و کافی دال بر محکومیت آن فرد یا افراد بدست آورده و مهیا سازند و بعد روی اصل آن دلایل میادرت بدستگیر نمودن نامبردگان کنند. این مصونیت در کلیه زمینه‌ها و برای عموم افراد ساکن در انگلستان همگانی است و تا حالا با استثنای یکی دو مورد همیشه مورد اجرا گذارده شده و میشود. قانون مزبور فقط در سالهای ۱۷۹۴ و ۱۸۰۱ با موافقت پارلمان انگلستان بطور موقت نقض شده است. ولی تا شرایط بسوضع عادی برگشته اند، دو مرتبه با تصویب پارلمان آن قانون بدون کم و کاست بمورد اجرا گذارده شده است...

جریان سوسیالیستی انگلستان وقتی پس از وقوع انقلاب بورژوازی بار دیگر شروع بفعالیت کرد، تحت تأثیر تغییرات بزرگ محیط کلی انگلستان نا اندازه‌ای تغییر کرده بود. این تغییرات بدوی با تکامل سریع کاپیتالیسم و توأم با آن توسعه و پیشرفت پرولتاریز اسپون. دهاقین از طرف بورژوازی دینامیک، بزرگتر و مهمتر میشد تا روزی کاملاً ماهیت طبقاتی نهضت سوسیالیسم را عوض نماید سریع تر، جریان شروع شده، تدریجاً طبقه پرولتار را جانشین دهاقین مبارز میکرد...

این جریانات موازی در اواخر قرن ۱۷ آن اندازه در انگلستان پیشرفت نموده بود که ویلیام پتی با خطوط کلی «تئوری ارزش کار» را تدوین کرد. این تئوری که بعداً اساس علم اقتصاد گشت: گرچه در آزمان آن چنان بسط و گسترش نیافت ولی در اوایل قرن ۱۸ و تا اواسط آن، تدریجاً با

رشد بیشتر شرایط اقتصادی اهمیت بسیار کسب نموده و بیالاترین مرحله تکامل تاریخی خود رسید.

اقتصاد انگلستان در نیمه‌های قرن ۱۸ آنقدر ترقی کرده بود که امکانات لازم بسط و گسترش همچون توربها را ایجاد نموده بود. آدام اسمیت با کامل کردن آنچه که ویلیام پتی ارائه داده بود و با آوردن دلایل و مدارک و امثله زنده از شرایط عینی و پیشرفته انگلستان نیمه‌های قرن ۱۸، اصول علم اقتصاد قدیم را بیکسوزد و تئوری جدیدی وضع نمود که بنا به آن: کار پایه و اساس همه چیز بود و خود کاپیتال هم نوعی از تراکم کار محسوب میشد...

هر چه بورژوازی و بطور کلی کاپیتالسم بیشتر بسط و توسعه پیدا میکرد بهمان نسبت هم طبقه کارگر که تاریخاً هنوز نارس بود، چه از لحاظ کیفیت و چه کمیت نسبت به ناهقین اهمیت بیشتر بدست می‌آورد و تدریجاً محور جریانات بزرگ میگشت و مرکز ثقل کارها کم کم از میان دهقانان بطبقه کارگر انتقال مییافت. البته این تحولات در انگلستان بوقوع میبویستند و گرنه ممالک دیگر هنوز بدان درجه از تکامل نرسیده بودند تا امکان و قسوع همچو تحولات در آن کشورها موجود باشد.

سیر حوادث بدین طریق در جریان بود تا اینکه انقلاب ماشینی و صنعتی یش آمد و بطور قاطع، وضع را دگرگون ساخت.

ظهور و تکامل کاپیتالسم ماشینی و روابط آن با سوسیالیسم

تخیلی.

دوره مانوفاکتور در تاریخ تکامل کاپیتالسم انگلستان در اواخر قرن ۱۸ و در دیگر کشورهای گمی دیرتر، همراه با اختراعات بزرگ و انقلابی بانها میرسد و دوران کاپیتالسم ماشینی آغاز میگردد. این تغییر و تحول بزرگ در ممالک دیگر فقط در آخر ربع اول و اواسط ربع دوم قرن ۱۹ آغاز گشته است.

چون کاپیتالسم بنا به اهمیت و ساختمان ذاتی خود همیشه و هر جا طالب بسط و گسترش است، و از طرف دیگر قدرت بازوی انسان هم که بگانه عامل موثر در تولید مانوفاکتوری است، محدود میباشد. بدین سبب از لحاظ کاپیتالسم و تکامل تاریخی آن، اختراع و استعمال ماشین در زمینه تولید اقتصادی يك امر ضروری و غیر قابل اجتناب بود و همینطور هم شد از اواخر قرن ۱۸ تدریجاً

ماشین وارد رشته تولید انگلستان گردید و بعد از مدتی مبارزه بر مخالفین خود فائق آمد و قدم در راه هموار پیشروی گذاشت. برای ذکر اهمیت ماشین در تولید اولین نتایج استعمال ماشین و علت مخالفت سخت کارگران و طبقات پایین با آن و بطور کلی تغییرات و تحولات بزرگ حاصله از آن، فقط بذکر یک مثال بسیار ساده و مختصر قناعت میکنیم.

همچنانکه گذشت در دوره مانوفاکتور قدرت بازوی کارگر عامل موثر بود. حداکثر استفاده ای که ممکن بود از آن کرد این بود که کارگران نگویند بخت را وادار میکردند تا در عین حال هم از دوست و هم از دو پای خود در گرداندن چرخهای کارخانجات نساجی انگلستان استفاده نمایند. کاری بس طاقت فرسا و مضحک کننده که بیش از ده درصد کارگران از عهده آن بر نمیآمدند...

ولی نخستین ماشین که وارد رشته تولید در این مورد صنعت نساجی انگلستان گشت، بتنهایی نمیتوانست در مدت کمتر کار یکسروژه ۳۰ نفر از کارگران ورزیده و ممتاز نامبرده را انجام دهد. با اینوضع پر واضح بود که نفع صاحبان کارخانجات ایجاب مینمود تا کارگران را اخراج و در جای آنها ماشین بکار گمارند.

این وضع یعنی اخراج کارگران گریه موقتی بود ولیکن تاثیر بسیار سونمی بر روحیه کارگران و طبقات پایین بجای گذارد. از اینرو علم مخالفت و عصیان بر علیه ماشین و استعمال آن از طرف کارگران برافراشته شد و در بعضی جاها منجر بقتل مخترعین ماشینها و از میان بردن خود ماشینها گشت ولی کاپیتالیسم یکمک ماهیت آتشی شد و خود بروزی به تنها کارگران بیکار شده را بلکه عده معتابیهی هم از دهاقین و رشکست شده و مفلس را بکارخانجات کشیده و آنها را وادار بنظارت بر ماشینها و تنظیم کار آنها کرد... این مثال در عین حال تغییرات و تحولات ایجاد شده متناسب در معنوی و شکل سوسیالیسم تخیلی راهم بروشنی نمایان میسازد. بدینمعنی که از بعد از پیروزی قطعی ماشینیسیم و دخول آن بر رشته تولید و سبزی شدن دوره کوتاه مخالفتها و سیر حوادث در طریق طبیعی، در اواخر قرن ۱۸ و در پی آن واقعه عظیم تاریخی یعنی انقلاب ماشینی و صنعتی (اول) جا بجا شدنهای زیر بچشم میخورد و جریانات دیگر را سخت تحت الشعاع قرار میدهد:

۱ - تجمع عده معتابیهی از کارگران در محیط کارخانجات، و تشکل

آنان بصورت يك طبقه كاملا متمایز .

۲- تجزیه طبقه دهقانان به سه دسته : الف دسته ای که کاملاً ورشکست و مغلس شده بودند . اینها بکارخانجات روی آورده بصوف پرولتاریا می پیوستند . ب دسته ای که در پروس پرولتاریا سیون بوده و کم کم بسوی کارخانجات و طبقه کارگر کشیده میشوند . پ دسته ای که هنوز بنحوی دارای خود را حفظ نموده اند . از اینرو سخت بدارائی خود چسبیده و در هیچ جریان «خطرناک» انقلابی شرکت ندارند و تنها سعی آنان حفظ و نگهداری دارائی خودشان است ، یعنی رویه کاملاً محافظه کارانه و با بزرگوار کسبم روش خرده بورژوازی در پیش گرفته اند ...

۳- طرز تولید و افزایش روزافزون پرولتاریا ، خود بخود شرایطات اندوید و آلیستی خاتمه داده و سر آغاز دوران کلکتیوچه از لحاظ عینی و عملی و چه از لحاظ فکری و ذهنی میگردد ...

۴- استثمار بی حد و حصر بورژوازی و نتیجه مستقیم آن یعنی بروز نخستین مخالفتها و مبارزه های پرولتاریا بر علیه این استثمار غیر انسانی و تکامل طرز مبارزه همراه با تشکیل کارگران و آخر الامر ترکیب مبارزات سیاسی و صنفی و ظهور آشکارانه مبارزه طبقاتی میان بورژوازی و پرولتاریا برای تحصیل حکومت ظاهر میگردد .

۵- کسب اهمیت بسزای اقتصادیات و مبارزات صنفی و سیاسی ملهم از آن کلیه جریانات دیگر را تحت الشعاع قرار داده و انواع کلیه حوادث همزمان را تابعی از آن معرفی مینماید .

۶- فراموشی مسئله ملت و میهن ، بعزت استقلال و آزادی نام ملی و میهنی انگلستان . چون علم اقتصاد و بطور کلی جهان بینی سوسیالی فلسفی مارکس بر اساس اوضاع عمومی انگلستان که هزار سال بلاقطع با استقلال و آزادی نام زیسته و بقول چرچیل در این هزار سال هیچکس نتوانسته و یا نخواسته بود بآن حمله کند ، و بدینجهت ذرا انگلستان اساساً و اصولاً مسائل ملی و میهنی هیچوقت مطرح نبوده اند و نمیتوانستند مطرح شوند . . . بناشده ، و بهمان شکل هم تعمیم یافته و شامل حال کلیه کشورهای شرق و غرب و شمال و جنوب کره ارض گشته است . بعلاوه بعزت کسب اهمیت و شهرت بسیار عظیم و اغراق آمیز اقتصادیات و مسائل مربوطه و تحت الشعاع قرار گرفتن مسائل ملی و میهنی و غیره از علل و عوامل معرفی شدن اقتصاد بمنزله یگانه عامل تاریخی و اجتماعی کلیه جریانات گشته اند . . .

۷ - طرح مسائل دینی و مذهبی. بصورت کاملان و بیسابقه یعنی در چهار چوب منافع بورژوازی و مجزا از فتوایس و منافع آن ...

۸ - بروا احتیاج بتغییر شرایط ازدواج و قوانین عروسی و بالاخره آزادی زن و برابری زن و مرد در پی اصلاحات حاصله از مبارزه پروتاریا در مراکز صنعتی و کارخانجات برای تسهیل کار کارگران زن و بچه ...

پس بدین طریق در تعیبات تغییرات و تحولات بزرگ و بی سابقه فوق الذکر مرکز ثقل جریانات و مبارزات طبقاتی غیر منظم و غیر پی گیر نهضت سوسیالیسم تخیلی ازدهات به مراکز صنعتی و شهرها و کارخانجات کشیده میشود و برخلاف ادوار قدیم دهاقین دستهای محافظه کار و خرده بورژوا و مخالف با پیشروی و نهضت سوسیالیسم و پروتاریا معرفی شده و پروتاریای نورس یگانه طبقه و عامل ایجاد سوسیالیسم معرفی میگردد. کم کم این تجسم ناقص و زاده یکدوره موقتی اجتماعی و تاریخی مختص با انگلستان، در افکار متفکرین قرن ۱۹ قوت گرفته دیگر جریانات و اصیحت تحت الشعاع قرار میدهند و آنان محصور در حدود محدود زمانی و مکانی شرایط انگلستان قرن ۱۹ گذشته هارا بکلی فراموش کرده و همه ساختمانهای جهان بیسی و ایدئولوژی خود را بر اساس پدیده های نوین قرن ۱۹ انگلستان و تاحدی فرانسه و آلمان بنامینهند. این طرز تفکر و تجسم بعدها از طرف مارکس تکامل یافته بصورت علم در میآید و بالاخره کاریجائی میرسد که دوره مارکس و خود مارکس شروع کنندگان و بنیان همه چیز معرفی میشوند. چنانچه انگلس در نخستین مقدمه خود بر چاپ رساله «مانیفست حزب کمونیست» ادعا میکنند که تئوری مبارزه طبقاتی و متعلقات و غیره همه استثنا از ایندفعه فکر مارکس است و پس ... (۱)

(۱) توضیحا باید اذعان نمود که واقعیات عینی غیر از تظلمات ذهنی و احساسات شخصی انگلسها است.

بدین معنی که برخلاف عقیده آنان قرن ۱۹ و دوره مارکس و بالاخره خود مارکس مخترع و شروع کنند همه چیز بوده اند و نمی توانستند هم باشند همان طوریکه در همین مسئله اختراع تئوری مبارزه طبقاتی خود انگلس در جائی دیگر اظهار میدارد: از بعد از سال ۱۸۱۵ در انگلستان برای کسی پوشیده نبود که مرکز ثقل مبارزات در انگلستان عبارت از نمایان سلطه رسیدن در طبقه بود یعنی از یک طرف طبقه مالکین و از طرف دیگر بورژوازی. در فرانسه هم از زمان احیاء مجدد حکومت بوربونها وجود این پدیده در افکار مردم منعکس شده بود.

چنین است خطوط کلی سیمای تاریخی نهضت سوسیالیسم تخیلی که از قرن ۱۵ آغاز و تا نیمه های قرن ۱۹ ادامه داشته است. و اینک درخاتمه:

چکیده آراء و عقاید سوسیالیستهای خیالپرست ، یا اصول مهمه سوسیالیسم او توپیک

- تاریخ بشر عبارت از تجمع حوادث انقافی و اعمال شخصیتهای بزرگ میباشد .

- نهضت سوسیالیسم ، مظهر عقل سلیم و در عین حال نمودار حقیقت و عدالت مطلق است .

- چون مطلقات در خارج از محیطه زمان و مکان و تاثیر آنها قرار دارند بدینرو ممکن بود که جامعه سوسیالیستی توسط شخصیت های داهی مثلا در قرون وسطی و حتی اعصار قدیم ظاهر گردد . . .

مورخین آلمان از دیری تا کنون و پیش و غیره همیشه باین نکته اشاره کرده و آنرا بمنزله مقتضای بزرگ تاریخ فرانسه دانسته اند. صفت این ولنا بر ما هم از این نقطه نظر طبیعتاً مسموم بود که تمایل رسیدن سلطه را داشت. فلذا از بروشور انگلس درباره : لودویک فویرباخ و از کتاب تئوری مبارزه طبقاتی و بحثی در مورد جنبه اجتماعی صفحات ۱۰۵

و اما البته قضیه در اینجا ختم نمی شود. چنانکه بشر را شوریلو لاریولا باین مسئله غیر از مورد تأیید قرار گرفتن از طرف سن سیمون و آگوستین دیری اوئی بلان و حتی کابیه در ادبیات نیز از دیر زمان منعکس شده است. مثلاً عقیده لاریولا با لارک مخترع ادبیات طبقاتی است و در مانهای او آئینه مبارزات طبقاتی موجود در محیط اجتماعی میباشد . . .

در این مورد عده ای هم هستند که مطالعات عمیق در ریشه های تاریخی این قوم (نمود) و انعکاس تئوریک آن کرده اند از جمله میتوان لوریان را نام برد که در چین مجادلات تئوریک خود با انگلس اظهار میداشت که تعلقه تئوری مبارزه طبقاتی و تئوریهای دیگر که انگلس همه را درست در مالکیت استثنائی مارکس درمی آورد از زمان هارینگتون (۱۶۵۶ میلادی) موجود بوده و بوسیله داوان و سپس منتسکیو و تافیرینو گرانهاو آدام اسمیت و بعد از آن تا زمان مارکس تکامل یافته و علت بر ظهور سیستم مارکس گشته است. ولی در اینجا نظریه کروسه بیشتر مورد توجه و مطالعه است. کروسه عقیده مند است که تعلقه تئوریهای مبارزه طبقاتی و غیره اولین بار از طرف توماس مور یعنی آن سوسیالیست خیالپرست که کتاب : « او توپیک » را برشته تحریر در آورده ، بمیان آمده و سپس در طی قرون بیست و سه از جریانات عینی تاریخ تدریجاً تکامل یافته و علت بر ظهور و فرموله شدن علمی آنها از طرف مارکس در قرن ۱۹ گشته است .

- نهضت سوسیالیسم در آن واحد هم برای فردو هم برای کلیه بشریت است و نه برای دسته‌ها و طبقات خاص مثل ده‌ها قین یا پرولتاریا ... سوسیالیسم او تو بیک کاملاً هو ما نیستی میباشد.

- راه وصول سوسیالیسم، مبارزه و انقلاب نیست. بلکه تبلیغ مساوات آموخته‌های عالی سوسیالیسم است در محافل حاکمین و قشرهای بالای اجتماع. لذا بموضع اتلاف وقت و انرژی برای خاطر مبارزه و انقلاب، لازمست نقشه‌ها و پروژه‌های کامل و آینده‌آلی برای آینده طرح کرد و افراد بشر را - حاکم و محکوم - بسوی آنها سوق داد.

- سوسیالیسم آخرین مرحله تکامل اجتماعات بشری بوده و بهشت زمینی بشریت میباشد.

- در نظر سوسیالیست‌های خیالپرست کلیه افراد بشر از جمله زن و مرد همه برابر هستند. لذا بتمیضات موجود در کلیه زمین‌ها و شئون زندگانی اجتماعی باید سخاتمه داده شود...

- اصول و قوانین ازدواج را باید تغییر داد و اصول نوینی برای تغییر مبانی خانواده و تربیت فرزندان بشر ایجاد کرد.

در هر حال مسئله مورد نظر ما اینست که نظریات و عقاید و شوریه‌های سوسیالیسم همه از دیر زمان همراه با جریانات و مبارزات عملی ولی غیر منظم نهضت سوسیالیسم او تو بیک موجود بوده و در اوایل قرن ۱۹ و تا دهه چهارم همان قرن بطور پراکنده و نا پخته و گاهی هم متناقض هم و در نقاط مقابل هم وجود داشته و بشکل یک سیستم کل و هارمونیزه علمی نبوده. فقط در دهه پنجم و نیمه‌های قرن ۱۹ مارکس و انگلس با در نظر گرفتن آخرین نمره‌های جریانات و تحولات عصر فزبور انگلستان و فرانسه و آلمان کلیه عقاید و نظریات و شوریه‌های پراکنده و نا پخته و متناقض را جمع‌آوری کرده و در یک سیستم کلی و هماهنگ تنظیم نموده‌اند ...

پس بنا بر این قبل از ظهور سوسیالیسم علمی و مابعد سوسیالیسم و ابداع شوریه‌های مبارزه طبقاتی، ارزش اضافی، جهان بینی سوسیالیسم - فلسفی و ایدئولوژی طبقاتی و غیره همه چیز در نزد سوسیالیست‌های خیالپرست و نمایندگان آنان در عالم علم و ادب بصورت‌های گوناگون ذهنی و خیالی و اغلب دور از واقعیات عینی موجود بوده است ولی بدون اساس و پایه علمی، نتیجتاً سوسیالیست‌های خیالپرست، همچنان پا بند توهمات سوپرناتورال (ذهنی) خود طی طریق نموده‌اند ...

- در مبانی دین و مذاهب و نقش آنان نیز باید تغییری ایجاد کرد.
- باید شرکتهای بزرگ تعاونی و عمومی بوجود آیند تا راه برای پروژهها و نقشه‌های سوسیالیستی هموار گردد.
- باید انتقاد و بازهم انتقاد کرد و نقائص اجتماعات غیر سوسیالیستی را به مردم نشان داد تا آنها بسوی سوسیالیسم بگردانند.
- برای انجام کلیه این مقاصد و هدفها باید دولتپارادامی کرد تا خودشان مشتاقانه مبادرت بآن کارها کنند...

تیر یز - ۱۳۳۷ ر ۹۱۵

هر ایر خالاتیان



اندوه

رنج آیت دراز

برای ما زندانیان تنها یک فصل وجود دارد
و آن فصل اندوه است

اندوه ابدی تیره و عمیق
و ذاتش بی پایان می باشد

ما از خورشید و ماه بی نصیب مانده ایم

در بیرون شاید آسمان آبی و شاید طلایی باشد

اما زیر این پنجره یکموجود افسرده است

هر جا که اندوه است ارض مقدس است

یک روز مردمی فهمند معنای این حرف چیست:

آنها اگر به بزرگ اندوه برسند

هرگز لذتی از زندگیشان نخواهند برد

از: اسکار وایلد